

اثر سبک های دل بستگی و سبک های والدینی بر خود شکوفایی: نقش واسطه ای ویژگی های شخصیتی

زری مقدم^۱ - مهناز مهرابی زاده هنرمند^۲ - حسن احدی^۳ - پرویز عسکری^۴ - علیرضا حیدری^۵

چکیده

تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۳ - تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۲۰

هدف از پژوهش حاضر، بررسی اثر سبک های دل بستگی و سبک های والدینی بر خود شکوفایی با میانجی گری ویژگی های شخصیتی بود. شرکت کنندگان در پژوهش شامل ۳۰۶ نفر (۱۷۴ دختر و ۱۳۲ پسر) از دانشجویان کارشناسی ارشد واحد علوم و تحقیقات خوزستان بودند که به روش تصادفی ساده گزینش شدند. ابزارهای اندازه گیری متغیرها، پرسشنامه سبک های دل بستگی سیمپسون (۱۹۹۰)، پرسشنامه سبک های والدینی زینانی (۱۳۸۹)، پرسشنامه ویژگی های شخصیتی نئو- فرم کوتاه (۱۹۹۲) و پرسشنامه خود شکوفایی اهواز (۱۳۷۸) بود. ارزیابی الگوی پیشنهادی از طریق معادلات ساختاری (SEM) انجام گرفت. فرضیه های غیر مستقیم با روش بوت استراپ آزمون شدند. نتایج حاصل از پژوهش، نشان داد الگوی پیشنهادی با انجام اصلاحاتی، برازش خوبی با داده ها دارد. از ۱۷ مسیر مستقیم الگوی پیشنهادی، مسیر سبک والدینی مقتدر به گشودگی تأیید نشد و از الگو حذف گردید. نتایج مربوط به تحلیل روابط واسطه ای نشان داد که به جزء ۳ مسیر غیر مستقیم (سبک دل بستگی ایمن به خود شکوفایی از طریق وجدانی بودن، سبک دل بستگی نا ایمن به خود شکوفایی از طریق روان رنجور خویی و سبک والدینی مقتدر به خود شکوفایی از طریق وجدانی بودن) دیگر مسیرهای غیر مستقیم معنی دار بودند. **کلیدواژه ها:** سبک های دل بستگی، سبک های والدینی، ویژگی های شخصیتی، خود شکوفایی.

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی، واحد علوم و تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی اهواز، اهواز، ایران
۲. استاد گروه روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، اهواز، ایران
۳. استاد روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران
۴. استادیار گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران
۵. دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران

مقدمه

اکنون برای پیشرفت کشور ما، نیروی انسانی خلاق مهم‌ترین عامل می‌باشد. برای تسریع بخشیدن به پویایی در زمینه‌های متعدد اقتصادی، صنعتی و کشاورزی به افراد شایسته و بالنده نیاز بوده و افراد خودشکوفادارای ویژگی‌های برجسته مانند مسولیت‌پذیری، خلاقیت، انعطاف‌پذیری، خودانگیختگی بوده و قادرند که از استعداد‌های خود برای رشد و کمال بهره‌گیرند. پژوهش‌های لازم باید صورت گیرد تا برای پرورش افراد خودشکوفادار، توصیه‌های ضروری در اختیار والدین و دست‌اندرکاران مسائل تربیتی قرار گیرد. از عوامل مهم در خودشکوفایی، تاثیر کیفیت دلبستگی کودک به والدین بوده که در سراسر عمر تداوم داشته و تبیین‌کننده‌ی تفاوت‌های فردی در روش مقابله با تنش‌های روانی می‌باشد. کودک بعد از اولین سال تولد، طرحواره یا الگوی درون‌فعالی از خود و ارتباط آن با تکیه‌گاه وابستگی می‌سازد و این طرحواره سبب می‌شود که کودک احساس امنیت بیشتری یابد. دلبستگی کودک در پیش‌بینی عملکرد در زمینه‌های دیگر موثر است.

بالبی (۱۹۶۹) می‌گوید که ویژگی خوب والدین، فراهم آوردن امنیت برای کودک بوده تا وی با جهان بیرون ارتباط برقرار کند. واز نظر عاطفی وی را تامین نموده و به وی آرامش بخشند. کودک باید نسبت به تامین محبت و مراقبت والدین، درک شهودی یابد (سادوک^۱ و سادوک، ۲۰۰۲، به نقل از پورافکاری، ۱۳۸۷). سبک والدینی مقتدرانه با درجه بالایی از پاسخ‌دهی و پذیرش کودک و ابراز محبت برای وی، به دلبستگی ایمن می‌انجامد (نومیستر^۲ و فینچ^۳، ۲۰۰۶، به نقل از زیبایی، ۱۳۸۹). از عوامل مهم دیگر در شکل‌گیری خودشکوفایی، شیوه فرزندپروری والدین بوده، در پژوهش هاور^۴، اوتون^۱، و

1. Sudeck
2. Nomister
3. Finch
4. Huver

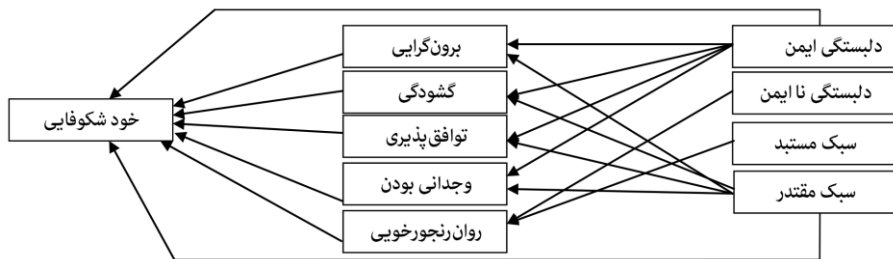
انگلز^۲ (۲۰۱۰) مشخص شد، فرزندان دارای والدین مقتدر، اعتماد به نفس بالا و انگیزه پیشرفت و حرمت خود بالا دارند در حالیکه والدین مستبد دارای فرزندان دارای حرمت خودپایین، اضطراب و افسرده اند.

اولین سالهای زندگی در رشد عاطفی- روانی کودک نقش مهمی دارد اریکسون (۱۹۸۶) میگوید که کار اصلی کودک در خردسالی یاد میگیرد که دنیا یا محل خوب و رضایت بخش است یا منبع ناکامی، ناراحتی‌ها و هیجانهای منفی است. دل بستگی به مادر، سرمایه ای از امنیت عاطفی برای کودک بوده و موجب پیوند محکم بین کودک و والدین می شود (شولتز و شولتز، ۲۰۱۳، ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۲). در پژوهش شافرو کیپ^۳ مشخص شد که بیشترین تحولات مثبت در فرزندان را والدین مقتدر فراهم می آورند. روابط گرم و صمیمی والدین و فرزندان همراه با کنترل منطقی موجب اعتماد به نفس بالا، انگیزه پیشرفت و تعدیل هیجان خواهی بالا در آنها شده و فعالیت‌های آنان را هدفمند می سازد در حالیکه والدین مستبد با پاسخ دهی پایین به نیازهای فرزندان و خشونت، آنها را نومید و نسبت به تواناییهای خویش بدبین و در رشد فردی و سازگاری اجتماعی آنها اختلال ایجاد می کند همچنانکه در پژوهش مانهاس^۴ (۲۰۱۴) با عنوان اثرات رفتار والدین بر بلوغ هیجانی و خودشکوفایی در نوجوانان مشخص گردید که پذیرش فرزندان با خود شکوفایی نوجوانان در سطح بالا همراه است.

مراقبت‌های مادرانه منسجم، حساس و عاطفی در، دل بستگی آرام بخش شکل می دهد و انگیزش عمیق با دل بستگی آرام بخش همراه می شود. کودکی که به مادر خود دل بستگی محکم داشته باشد، اجتماعی تر بوده و در نگهداری روابط متقابل توانایی

1. Oten
2. Engles
3. Shofer And Keep
4. Manhas

بیشتری نشان می‌دهد. دلبستگی ناایمن با کنترل غیر موثر هیجانها، موجب رفتارهای ناسازگارانه شده و از بروز خود شکوفایی، ممانعت میکند (کدورت^۱ و تروتمن^۲، ۲۰۰۵، به نقل از زینانی، ۱۳۸۹). پنج عامل شخصیتی و صفات آنها بیانگر ساختار مشترک در انسانها است. عوامل شخصیتی (برون گرایی، توافق پذیری، گشودگی، وجدانی بودن) در افراد خودشکوفای که از لحاظ هیجانی و سلامت کامل اند، در سطح بهینه می‌باشد. دلبستگی ایمن کودک به والدین و شیوه والدین مقتدرانه به شکل گیری ویژگیهای مطلوب شخصیتی می‌انجامد و مجال شکوفایی تواناییها و شایستگی‌ها را به فرد می‌دهد. همچنانکه در پژوهش اوتوی و کارنلی (۲۰۱۲) مشخص شد که دلبستگی ایمن در سالهای نخست با شکوفایی بالا در افراد رابطه مثبت دارد. دلبستگی در کودک و شیوه فرزند پروری مستبدانه منجر به روان رنجور خویی در فرزندان شده و آنان را از شکوفایی باز می‌دارد. در پژوهشهای داخل و خارج از کشور درباره عوامل شکوفایی از جمله شیوه‌های پرورش کودک، سبکهای دلبستگی انجام شده ولی در پژوهش حاضر به رابطه سبک‌های دلبستگی و سبکهای والدینی با خود شکوفایی و نقش واسطه‌ای ویژگیهای شخصیتی در این باره پرداخته شد که تاکنون پژوهشی انجام نگردیده بود و نیز رابطه ویژگیهای شخصیتی با خود شکوفایی نیز مورد توجه قرار گرفت.



شکل ۱: الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر

روش

پژوهش حاضر، طرح همبستگی از طریق معادلات ساختاری^۱ است که یک روش همبستگی چند متغیری می‌باشد. الگوی معادلات ساختاری، بسط خط کلی (GLM) بوده که محقق را قادر می‌سازد تا مجموعه‌ای از معادلات رگرسیونی همزمان را بیازماید.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه مورد بررسی در پژوهش حاضر شامل دانشجویان کارشناسی ارشد واحد علوم و تحقیقات خوزستان در اهواز بود که در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ مشغول به تحصیل بودند. با توجه به هدف پژوهش از جامعه مورد نظر که ۴۰۰۰ نفر بودند، نمونه‌ای با حجم ۳۳۰ دانشجوی به شیوه تصادفی ساده انتخاب گردید و پس از اجرای پرسشنامه، تعداد ۲۴ پرسشنامه ناقص گزینش شدند. تعداد نمونه پژوهش براساس زیرگزینش شد. حجم نمونه باید تابعی از:

الف) تعداد متغیرهای الگوی کلی و الگوی فرعی مورد بررسی باشد.

ب) تعداد متغیر در الگوی مدل ساختاری باید حداقل ۱۵ تا ۳۰ برابر تعداد متغیرهای مشاهده شده باشد (استیونس، ۱۹۹۴، به نقل از هومن، ۱۳۷۸). بنابراین در این پژوهش پس از افت شرکت کنندگان، نمونه‌ای با حجم ۳۰۶ دانشجوی گزینش شدند. دامنه سنی افراد شرکت کننده بین ۲۱ تا ۴۲ سال بود. میانگین و انحراف معیار سن برای پسران ۲۹/۳ و ۴/۶۷ و برای دختران ۲۷/۹ و ۳/۹۹ بود.

ابزارهای پژوهش

الف- پرسشنامه سبک‌های دلبستگی^۲

این پرسشنامه توسط سیمپسون^۳ (۱۹۹۰)، ساخته شده است. این آزمون شامل ۱۳

1. Structural Equation Modeling (SEM)
2. Adult Attachment Inventory (AAI)
3. Simpson

جمله در مقیاس لی‌کرتی است که آزمودنی در پاسخ به هر سوال باید یکی از گزینه‌های طیف ۵ حالتی (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) را انتخاب کند. از این ۱۳ جمله، ۵ جمله برای ارزیابی سبک دل‌بستگی ایمن و ۸ جمله برای ارزیابی دو سبک دل‌بستگی اجتنابی و مضطرب- دوسوگرا است. سیمپسون به منظور بررسی روایی این پرسشنامه از مقیاس عشق رابین^۱ (۱۹۷۰) و مقیاس وابستگی^۲ ساخته شده توسط فی و برشید^۳ (۱۹۷۷) و مقیاس خود افشاگری^۴ (میلر، برگ و آرچر^۵، ۱۹۹۳) استفاده کرده است. پایایی این پرسشنامه بر حسب آلفای کرونباخ و اجرای مجدد در فاصله‌های زمانی یک تا دو سال حدوداً ۰/۷۰ و ۰/۸۹ برآورد شده است (سیمپسون و همکاران ۱۹۹۲، به نقل از عباسی سرچشمه، ۱۳۸۴). رضازاده (۱۳۸۱) پایایی این آزمون را برای نمونه ایرانی، در ۲۵ زوج به فاصله زمانی ۶ هفته، ۰/۲۸ به دست آورده. همچنین پایایی ثبات درونی این پرسشنامه بر حسب آلفای کرونباخ در ۱۳۲ زوج، ۰/۷۴ به دست آمده است. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه سبک‌های دل‌بستگی، برای سبک دل‌بستگی ایمن با روش آلفای کرونباخ و تنصیف برابر با ۰/۷۸ و ۰/۷۰ و نیز برای سبک دل‌بستگی نایمن برابر با ۰/۷۴ و ۰/۷۲ بوده است.

ب- پرسشنامه سبک‌های والدینی زینالی

در این پژوهش از سبک‌های والدینی زینالی (۱۳۸۹) برای سنجش دو سبک والدینی مقتدر و مستبد استفاده گردید. پرسشنامه والدینی زینالی (۱۳۸۹) بر اساس پرسشنامه سبک‌های والدینی بوری^۶ (۱۹۹۱)، می‌باشد که ترجمه شده و نسخه ایرانی، رواسازی گردیده است. پرسشنامه سبک‌های والدینی بوری (۱۹۹۱) توسط زینالی با نمونه ۲۰۵ نفر

1. Rubins Love Scale
2. Dependency Scale
3. Fei & Berscheid
4. Self- disclosure Inventory
5. Miller, Berg, & Archer
6. Buri Parentin Style Inventory

از دانش آموزان ایرانی (ارومیه) تحلیل عاملی گردید و روایی آن مشخص شد. ماده‌های ۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۶ و ۲۸ در پرسشنامه سبک‌های والدینی بوری (۱۹۹۱)، پس از تحلیل عاملی، تأیید نشدند و حذف گردیدند. پرسشنامه سبک‌های والدینی زینایی (۱۳۸۹)، دارای سبک والدینی مستبد با ماده‌های ۲۹، ۲۵، ۱۸، ۱۶، ۱۲، ۹، ۷، ۳، ۲ و سبک والدینی مقتدر با ماده‌های ۳۰، ۲۷، ۲۳، ۲۲، ۱۵، ۱۱، ۸، ۵ و ۴ بوده که برای سنجش سبک‌های والدینی مستبد و مقتدر در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه سبک‌های والدینی زینانی (۱۳۸۹) در مقیاس لیکرت کاملاً مخالف (۱)، مخالف (۲)، بی‌نظر (۳)، موافق (۴)، کاملاً موافق (۵) نمره گذاری می‌شود.

در پژوهش زینایی (۱۳۸۹)، پایایی پرسشنامه سبک‌های والدینی با روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۳، برای سبک مقتدر ۰/۸۹ و برای سبک مستبد ۰/۷۸ گزارش شده است. ضرایب پایایی پرسشنامه سبک‌های والدینی زینایی (۱۳۸۹) در پژوهش حاضر با روش آلفای کرونباخ و تنصیف برای سبک والدینی مستبد به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۸۴ و برای سبک والدینی مقتدر به ترتیب ۰/۸۹ و ۰/۸۷ می‌باشد.

ج- پرسشنامه شخصیت نئو فرم کوتاه (۶۰ سوالی)

آزمون نئویی آی (NEO-PI) یک آزمون شخصیتی است که توسط مک کری و کاستا^۱ ساخته شده است و ۵ عامل اصلی شخصیت و ۶ خصیصه‌ی مربوط به هر کدام از این عوامل را ارزیابی می‌کند. این ابعاد عبارتند از: روان رنجورخویی در برابر ثبات هیجانی، برون‌گرایی در برابر درون‌گرایی، باز بودن به تجربه‌ها یا اندیشه‌ها، توافق در برابر تقابل و وجدانی بودن یا گرایش به کار (حق شناس، ۱۳۸۵). در این پژوهش از فرم کوتاه پرسشنامه نئو که NEO-FFI نامیده می‌شود و شامل ۶۰ سؤال است استفاده شد. در این فرم برای اندازه‌گیری هر کدام از عوامل شخصیت ۱۲ ماده اختصاص یافته است. نمره

گذاری این پرسشنامه بر روی مقیاس ۵ درجه ای لیکرت انجام می‌گیرد که ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم). در خصوص پایایی NEO-FFI، نتایج چندین مطالعه حاکی از آن است که زیرمقیاس‌های NEO-FFI، همسانی درونی خوبی دارند. به عنوان مثال: کاستا و مک کری (۱۹۹۲) ضریب آلفای کرونباخ بین ۰/۶۸ (برای موافق بودن) تا ۰/۸۶ (برای روان آزرده گرایی) را گزارش کرده اند. هلدن (۱۹۹۹)، به نقل از فتحی آشتیانی و داستانی، (۱۳۹۱) نیز ضریب آلفای این ۵ عامل را در دامنه ۰/۷۶ (برای گشودگی) تا ۰/۸۷ (برای روان آزرده گرایی) گزارش می‌کند. پرسشنامه NEO-FFI در ایران توسط گروسی (۱۳۸۰) و حق شناس (۱۳۸۵) هنجاریابی گردید. پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش بازآزمایی در مورد ۲۰۸ نفر از دانشجویان به فاصله ۳ ماه به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۹. برای عوامل N، E، O، A و C به دست آمده است. مک کری و کاستا (۱۹۹۲) پس از اجرای وسیع تستهای شخصیت و بکار بردن پرسشنامه شخصیتی معتبر (آزمون ۱۶ عاملی کتل، پرسشنامه مینه سوتا، پرسشنامه شخصیتی کالیفرنیا و پرسشنامه شخصیتی آیزنک، توانستند فنون روان سنجی را بکار گرفته و با استفاده از تحلیل عامل و بهره گیری از روش تحلیل اکتشافی به ۵ عامل دست یابند. پس از استخراج نمرات افراد می‌توان بر اساس آن هنجار کیفی، کاملاً قبول، قبول، خنثی، رد، کاملاً رد، ویژگیهای شخصیتی افراد را مشخص ساخت. مک کری و کاستا (۱۹۸۹) اظهار می‌دارند که فرم کوتاه شده NEO با فرم کامل آن (NEO-PI) مطابقت دقیقی دارد.

د- پرسشنامه خود شکوفایی اهواز^۱

پرسشنامه خود شکوفایی اهواز توسط اسماعیل خانی (۱۳۷۸) با استفاده از تحلیل عوامل ساخته شد و دارای ۲۵ ماده می‌باشد. این پرسشنامه دارای چهار گزینه، "اغلب اوقات"، "گاهی اوقات"، "بندرت" و "هرگز" می‌باشد. نمره گذاری آن به ترتیب ۳، ۲، ۱، ۰،

برای گزینه‌های مذکور می‌باشد. اسماعیل خانی (۱۳۷۸) جهت روایی پرسشنامه خود شکوفایی، آن را با سه مقیاس پرسشنامه اضطراب اهواز، پرسشنامه افسردگی بک (۱۹۷۸) و عزت نفس کوپراسمیت (۱۹۶۷) سنجش کرد. ضریب همبستگی بین خودشکوفایی و اضطراب، ۰/۷۳، خود شکوفایی و افسردگی ۰/۷۷ و خود شکوفایی با عزت نفس برابر با ۰/۶۶ بود. پژوهش اسماعیل خانی (۱۳۷۸) پایایی این پرسش نامه را با روش آلفای کرونباخ برای کل افراد ۰/۹۰ و زنان ۰/۹۴ و مردان ۰/۸۸ گزارش گردید. در پژوهش حاضر پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ و تصنیف ۰/۸۵ و ۰/۸۴ بود.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

انحراف استاندارد	میانگین	شاخص‌های آماری
		مقیاس‌ها
۲/۳۶	۱۵/۲۸	سبک دلبستگی ایمن
۵/۶۶	۲۱/۴۴	سبک دلبستگی نایمن
۶/۰۱	۲۳/۸۱	سبک والدینی مستبد
۶/۵۲	۳۲	سبک والدینی مقتدر
۶/۲۲	۲۰/۹۲	روان رنجورخویی
۵/۱۹	۲۵/۵۴	برونگرایی
۵/۰۸	۲۵/۲۷	گشودگی
۵/۲۷	۲۸/۲۶	توافق پذیری
۶/۱۶	۲۸/۷۰	وجدانی بودن
۷/۹۰	۵۶/۷۱	خودشکوفایی

همان‌گونه که در جدول شماره ۱، مشاهده می‌شود میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های دانشجویان در متغیرهای پژوهش به ترتیب در سبک دلبستگی ایمن برابر

۱۵/۲۸ و ۲/۳۶، سبک دلبستگی ناایمن برابر ۲۱/۴۴ و ۵/۶۶، سبک والدینی مستبد برابر ۲۳/۸۱ و ۶/۰۱ و سبک والدینی مقتدر برابر ۳۲/۰ و ۶/۵۲ به دست آمده است. همچنین جدول ۱، نشان می‌دهد میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های دانشجویان در ویژگی‌های شخصیتی به ترتیب در روان رنجورخویی برابر ۲۰/۹۲ و ۶/۲۲، برونگرایی برابر ۲۵/۵۴ و ۵/۱۹، گشودگی برابر ۲۵/۲۷ و ۵/۰۸، توافق‌پذیری برابر ۲۸/۲۶ و ۵/۲۷، وجدانی بودن برابر ۲۸/۷ و ۶/۱۶ و در خودشکوفایی برابر ۵۶/۷۱ و ۷/۹۰ به دست آمده است.

به منظور بررسی چگونگی ارتباط متغیرهای پژوهش، همبستگی آنها با یکدیگر محاسبه شد که نتایج در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش در نمونه‌ی دانشجویان

ردیف	متغیرهای پژوهش	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱	سبک دلبستگی ایمن	-۰/۰۲	-۰/۰۹	۰/۰۷	-۰/۲۸**	۰/۱۴*	۰/۲۱**	۰/۲۶**	۰/۲۵**	۰/۴۰**
۲	سبک دلبستگی ناایمن	-	۰/۳۱**	-۰/۲۸**	۰/۱۸**	-۰/۲۳**	-۰/۰۳	-۰/۲۶**	-۰/۱۹**	-۰/۲۸**
۳	سبک والدینی مستبد	-	-	-۰/۴۴**	۰/۲۷**	-۰/۲۳**	-۰/۱۸**	-۰/۲۲**	۰/۱۰	۰/۲۳**
۴	سبک والدینی مقتدر	-	-	-	-۰/۱۴*	۰/۲۶**	۰/۰۵	۰/۲۸**	۰/۱۹**	۰/۲۶**
۵	روان رنجورخویی	-	-	-	-	-۰/۲۲**	-۰/۳۶**	-۰/۵۴**	-۰/۰۵	-۰/۴۳**
۶	برونگرایی	-	-	-	-	-	۰/۲۲**	۰/۳۸**	۰/۴۹**	۰/۳۷**
۷	گشودگی	-	-	-	-	-	-	۰/۴۱**	۰/۰۵	۰/۴۲**
۸	توافق‌پذیری	-	-	-	-	-	-	-	۰/۱۴*	۰/۵۲**
۹	وجدانی بودن	-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۲۵**
۱۰	خودشکوفایی	-	-	-	-	-	-	-	-	-

۰/۰۱ **P≤۰/۰۵*P≤

همان طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود برخی از ضرایب همبستگی به دست آمده بین متغیرهای پژوهش، در سطح آماری $P \leq 0/05$ و برخی دیگر در سطح $P \leq 0/01$ معنی دار بودند.

به منظور ارزیابی الگوی پیشنهادی از الگویابی معادلات ساختاری استفاده شد. تمامی تحلیل‌ها با استفاده از نرم افزارهای SPSS و ویراست ۱۸ و AMOS و ویراست ۱۸ انجام گردید.

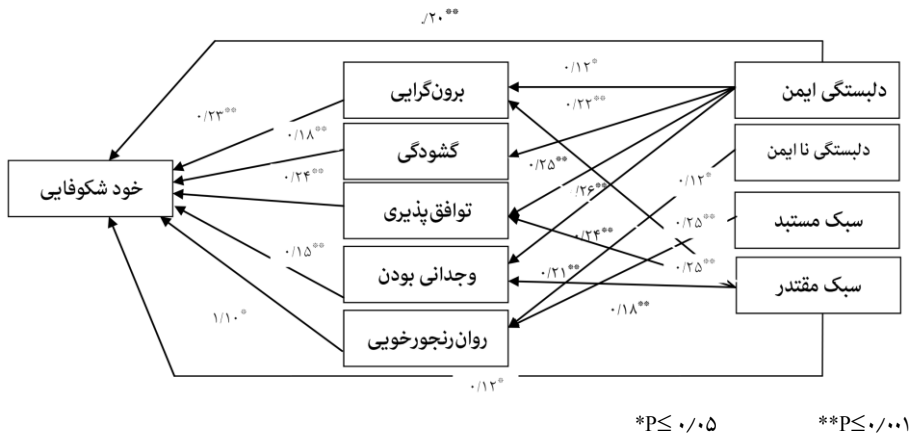
جدول ۳: شاخص‌های برازندگی الگوی پیشنهادی و الگوی نهایی

شاخص‌های برازندگی الگو	χ^2	df	χ^2 / df	GFI	AGFI	IFI	TLI	CFI	NFI	RMSEA
الگوی پیشنهادی	۳۴۰/۰۱	۲۲	۱۵/۴۵	۰/۸۱۷	۰/۵۴۲	۰/۵۸۳	۰/۱۲۱	۰/۵۷۰	۰/۵۶۷	۰/۲۱
الگوی نهایی	۴۷/۶۳	۱۵	۳/۱۷	۰/۹۷۰	۰/۸۹۰	۰/۹۵۸	۰/۸۶۸	۰/۹۵۶	۰/۹۳۹	۰/۰۸

مدل پیشنهادی از برازندگی خوبی برخوردار نبود و یک مسیر غیر معنی دار بود، (مسیر سبک والدینی مقتدر به ویژگی شخصیتی گشودگی)، پس از حذف این مسیر اصلاحی در مدل انجام شد تا برازندگی آن بهبود یابد.

با توجه به نتایج مندرج در جدول شماره ۳، شاخص جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) ۰/۲۱ و شاخص برازندگی توکر- لویس (TLI) ۰/۱۲۱ و سایر شاخص‌های برازندگی حاکی از برازش ضعیف الگوی پیشنهادی بود و نشان می‌دهند که الگوی پیشنهادی نیاز به اصلاح دارد. پس از حذف یک مسیر غیر معنی دار، یک بار دیگر مدل مورد آزمون قرار گرفت. همان طور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد شاخص‌های برازندگی الگوی اصلاح شده حاکی از برازش مناسب الگوی اصلاح شده است. بنابراین الگوی اصلاح شده یا نهایی از برازندگی مطلوبی برخوردار است.

ضرایب مسیر در شکل ۲ حاکی از معنی داری ۱۶ مسیر مستقیم می‌باشند. همان طور که بیان شد ضریب یک مسیر در الگویی پیشنهادی معنی دار نبود.



شکل ۲: الگوی نهایی و ضرایب مسیر

فاصله‌های اطمینان برای مندرجات جدول شماره ۴ حاکی از قرار نگرفتن صفر در این فاصله‌ها در ارتباط با تمامی مسیرهای غیرمستقیم به جز مسیرهای سبک دلبستگی ایمن به خودشکوفایی از طریق وجدانی بودن، سبک دلبستگی ناایمن به خودشکوفایی از طریق روان‌رنجورخویی و سبک والدین مقتدر به خودشکوفایی از طریق وجدانی بودن، بودند. سطح اطمینان برای این فاصله‌ها ۹۵ و تعداد نمونه‌گیری‌های مجدد^۱ بوت استراپ ۲۰۰۰ بود.

نتایج حاصل از روابط واسطه‌ای با استفاده از آزمون بوت استراپ^۲ در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

در این پژوهش برای بررسی روابط واسطه‌ای بین متغیرهای پژوهش از آزمون بوت استراپ استفاده شد. این روش شامل ترسیم تعداد زیادی نمونه از نمونه اصلی بوده و مدل مورد نظر در هر نمونه بوت استراپ که جزیی از داده‌های اصلی اند برآورده شده و توزیع آماره‌های برآورد شده در هر نمونه بوت استراپ برای اجرای معنی‌داری آزمون‌ها یا

1. resampling
2. Bootstrap

برای تشکیل فاصله اطمینان استفاده شد.

جدول ۴ - نتایج بوت استراپ برای مسیرهای غیرمستقیم (روابط واسطه ای)

مسیر	مقدار بوت استراپ	حد پایین فاصله اطمینان	حد بالای فاصله اطمینان	سطح معنی داری
سبک دل‌بستگی ایمن به به خودشکوفایی با میانجی گری برون گرایی	۰/۱۱۸	۰/۰۴۷	۰/۲۲۵	۰/۰۰۸
سبک دل‌بستگی ایمن به خودشکوفایی با میانجی گری گشودگی	۰/۲۵	۰/۱۵	۰/۳۹	۰/۰۰۴
سبک دل‌بستگی ایمن به خودشکوفایی با میانجی گری توافق پذیری	۰/۳۳	۰/۲۲	۰/۵۲	۰/۰۰۵
سبک دل‌بستگی ایمن به خودشکوفایی با میانجی گری به وجدانی بودن	۰/۰۰۸	-۰/۰۸۴	۰/۰۷۵	۰/۸۱
سبک دل‌بستگی ناایمن به خودشکوفایی با میانجی گری روان رنجورخویی	-۰/۰۵	-۰/۱۱	۰/۰۰۸	۰/۰۵۸
سبک والدینی مقتدر به خودشکوفایی با میانجی گری برونگرایی	۰/۰۸۸	۰/۰۵۴	۰/۱۳۲	۰/۰۰۷
سبک والدینی مقتدر به خودشکوفایی با میانجی گری گشودگی	-	-	-	-
سبک والدینی مقتدر به خودشکوفایی با میانجی گری توافق پذیری	۰/۱۳	۰/۰۸	۰/۱۹	۰/۰۰۵
سبک والدینی مقتدر به خودشکوفایی با میانجی گری وجدانی بودن	۰/۰۰۲	-۰/۰۲۲	۰/۰۲۵	۰/۸۳
سبک والدینی مستبد به خودشکوفایی با میانجی گری روان رنجورخویی	-۰/۰۹	-۰/۱۵	-۰/۰۶	۰/۰۱

جمع بندی یافته‌های پژوهش

جهت یافتن رابطه سبک‌های دل‌بستگی و سبک‌های والدینی با خود شکوفایی و نیز از

طریق نقش واسطه‌ای ویژگی‌های شخصیتی از الگوی پیشنهادی استفاده شد که در نهایت فقط یک مسیر (ویژگی شخصیتی گشودگی به سبک والدینی مقتدر) حذف شد و الگوی نهایی با داده‌ها، برازش خوبی داشت. سبک دلبستگی ایمن و سبک والدینی مقتدر، پیش‌بینی‌های خوبی برای خودشکوفایی مشخص شدند. ویژگی‌های شخصیتی مطلوب (برون‌گرایی - توافق‌پذیری - گشودگی - وجدانی بودن) با خودشکوفایی رابطه مثبت داشته و نشانگر آن است که در شرایط مطلوب خانوادگی و اجتماعی، بروز یافته و زمینه‌ساز خودشکوفایی افراد می‌شوند. دلبستگی ناایمن و مدل کارکردی نامطلوب از خود دیگران در کودک زمینه‌ساز روان رنجورخویی می‌شود و از شکوفایی استعدادها و او ممانعت می‌نماید. آگاه شدن خانواده از تاثیرات منفی دلبستگی ناایمن و همچنین روان رنجورخویی می‌تواند موجب می‌شود تا با کمک رسانی از مشاورین ذیصلاح، موانع رفع شده شکوفایی توانایی‌ها برای افراد مهیا شود و رابطه سبک والدینی مقتدر با خودشکوفایی از طریق وجدانی بودن تایید نشد و نشانگر آن است که افراد دارای ویژگی وجدانی بودن با صفاتی مانند دقیق و منظم بودن، وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری دوست دارند بیشتر الگوی دیگران باشند تا از خانواده الگوگیرند (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲). رابطه سبک والدینی مقتدر از طریق ویژگی شخصیتی گشودگی با خودشکوفایی تایید نشد. افراد دارای ویژگی گشودگی دارای صفاتی مانند زیباپسندی، خلاقیت، تنوع طلبی بوده، اکثریت هنرمند یا هنردوست بوده و نقش خانواده در راستای شکوفایی هنر اینگونه افراد، ایجاد محیطی آرام و گرم و صمیمی بوده تا شخص با آرامش خاطر در شکوفایی هنر خویش کوشا باشد. رابطه منفی بین سبک والدینی مستبد و خودشکوفایی نشان می‌دهد که شیوه خشن و طردکننده والدین نسبت به فرزندان خویش، اضطراب و نومیدی را در آنان ایجاد کرد و استعدادها و تحصیلی آنها دچار اختلال گشته و خصومت و افسردگی در آنها ایجاد کرده و زمینه ابتلا به روان رنجورخویی در آنها فراهم شود و مجال برای شکوفایی تواناییهای کودکان و نوجوانان نخواهد بود.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال یافتن رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سبک‌های والدینی با خود شکوفایی و رابطه آنها از طریق نقش واسطه‌ای ویژگی‌های شخصیتی بود. نتایج پژوهش نشان داد که سبک دلبستگی ایمن و سبک والدینی مقتدر با خود شکوفایی رابطه مثبت داشته و به عبارت دیگر می‌توان گفت که سبک دلبستگی ایمن و سبک والدینی مقتدر، پیش بین‌های خوبی برای خود شکوفایی و شایستگی افراد می‌باشند. این یافته‌ها همسوس با پژوهش‌ها از جمله اوتوی^۱ و کارنلی^۲ (۲۰۱۲)، هاماتا^۳ و همکاران (۲۰۰۹)، تاج و همکاران (۱۳۹۴) و دلاور پور (۱۳۹۰) بود. براساس دیدگاه بالبی^۴ (۱۹۸۰) الگوی عملی درونی ایمن در چهارچوب روابط دلبستگی مادر و کودک، شکل گرفته و موجب پایه ریزی ثبات عاطفی و اعتماد به خود و دیگران می‌شود. افراد دلبسته ایمن نسبت به خویش و دیگران، نگرش مثبت داشته و قادرند که بین صمیمیت و استقلال، توازن برقرار نمایند. آنان با احساس ارزشمندی و خوش بینی قادرند در جهت شکوفایی تواناییهای خویش گام بردارند. در این پژوهش مشخص گردید که دلبستگی نایمن کودک با روان رنجورخویی رابطه مثبت دارد و این یافته با نتایج تحقیقات قبلی از جمله گرافورد^۵ و همکاران (۲۰۰۶)، کراتیچفیلد^۶ (۲۰۰۶)، افشاری (۱۳۸۷) مشابه است. دلبستگی نایمن با پاسخ دهی پایین والدین به نیازهای کودک، مدل کارکردی منفی نسبت به خود و دیگران را در کودک می‌پروراند. افرادی که در کودکی دلبسته نایمن بوده، مضطرب، نومید و عزت نفس پایین داشته که موجب کاهش توان مواجهه با موقعیتهای تنش زا می‌شود. رفتارهای شخص روان رنجور بر عدم تمرکز بر تواناییهایش در مقابله با تکلیف استوار بوده و عدم دسترسی به راهبردهای مقابله، آنان را در کنترل تعارضها و هیجانات ناتوان

-
1. Otway
 2. Carnelly
 3. Hamatra
 4. Bowlby
 5. Graford
 6. Crtichfield

می‌سازد. خصومت، تکانشوری، اضطراب، ناامنی و حرمت خود پایین زمینه ساز بزهکاری او می‌شود. رابطه مثبت بین سبک والدینی مستبد و روان رنجور خویی. در این پژوهش با یافته‌های آبار^۱ و همکاران (۲۰۰۹)، لیوی^۲ (۲۰۰۵)، همخوان است. رابطه ضعیف والد - کودک و استرس‌های خانوادگی، پیش بینی‌های خوبی برای روان رنجورخویی فرزندان می‌باشد. روابط نامطلوب والدین در کودک به شکل بازنمایی ذهنی حفظ شده و او را دچار خصومت، نومیدی، اضطراب و تنش می‌نماید. فرزندان دارای والدین مستبد، مستعد ابتلا به ناراحتیهای عاطفی چون افسردگی و ترس اجتماعی می‌شوند.

در پژوهش حاضر، رابطه مثبت بین سبک والدینی مقتدر و خود شکوفایی با پژوهش مانهاس^۳ (۲۰۰۱۴)، و خانجانی (۱۳۹۰) همسواست. خانواده مقتدر با برقراری تعادل بین کنترل و آزادی، مدل کارکردی مثبت در کودک پرورش داده و او را به سوی استقلال و خود مختاری سوق می‌دهد. با ابراز محبت و امنیت در محیط خانواده، فرزندان دارای احساس آرامش و اطمینان شده و توان مواجه با چالشها و تهدیدها را به شیوه معقول فرا می‌گیرند. برای پرورش افراد خودشکופا با ویژگیهای مطلوب مانند خلاقیت، سرزندگی، خود انگیختگی، مسئولیت پذیری باید پژوهشهای لازم صورت گیرد تا نتایج در اختیار والدین و دست اندرکاران تربیتی قرار گیرد. برای پرورش افراد شایسته و بالنده از همان سال نخست باید با شیوه صحیح فرزند پروری و ایجاد رابطه دلبستگی آرام بخش و ایمن در کودک، زمینه ساز پرورش افراد سالم و پویا شد. شیوه فرزند پرورش قاطع با روش انطباقی و استدلالی همراه بوده و بلوغ اخلاقی در فرزندان ایجاد می‌کند. کودک با پرورش در خانواده گرم و قاطع، دارای ابتکار عمل فردی، سازگاری اجتماعی و حرمت خود بالا و مهارتهای ارتباطی می‌شود. توقع بالای والدین از فرزندان به همراه کنترل و هدایت آنها،

1. Abar
2. levy
3. manhas

انتظارات سازنده را به فرزندان منتقل کرده و آنها را در سازش با محیط و تعادل روانی، توانا می‌سازد. والدین مقتدر انگیزه پیشرفت و تلاش را در فرزندان خویش پرورش می‌دهند. آنها با تشویق فرزندان در جهت پیشرفت، موجب خود انگیزختگی جهت کسب تجارب جدید و ارتقا شایستگی‌ها در آنان می‌شوند. جهت کسب نتایج کامل‌تر و بهتر در راستای پرورش افراد خود شکوفا پیشنهادات زیر مطرح می‌شود. الف) اجرای برنامه‌های مناسب از طریق نمایش فیلمهای آموزشی درباره شیوه‌های مطلوب پرورش کودک و فرهنگ سازی در رسانه‌ها در جهت احتراز والدین از شیوه‌های خشن و طردکننده‌ی فرزندان. ب) تأکید بر پرورش خلاقیت در کودکان در مدارس و استفاده از روشهای صحیح در جهت رشد تفکرواگرا از طریق شیوه‌های تدریس جذاب و ایجاد انگیزه در راستای پویایی ذهنی کودکان. ج) شناسایی دانش آموزان روان رنجور بویژه نوجوانان پرخاشگر یا افسرده که در تحصیل دچار ضعف بوده و توسط مدارس و والدین اقدامات مناسب با همکاری مشاورین آگاه و والدین در رفع عوامل روان رنجور خوبی تا از انحراف اخلاقی و بزهکاری آنها ممانعت گردد. د) اجرای پژوهش حاضر توسط دانشجویان روان شناسی و مشاوره بر روی کودکان دارای استعداد های درخشان استفاده از نتایج پژوهش در جهت تأکید بر پرورش افراد سالم و شایسته و خلاق در جهت پرورش دانشمندانی زبده برای پیشرفت کشور.

منابع

- اسماعیل خانی، فرشته (۱۳۷۸). ساخت و اعتباریابی مقیاس برای سنجش خود شکوفایی و بررسی رابطه آن با سرسختی، کمال‌گرایی و عملکرد تحصیلی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- افشاری، افروز (۱۳۸۷). بررسی صفات شخصیتی، سبکهای دلبستگی، رویدادهای تنیدگی زا و جنسیت به عنوان پیش‌بین‌های ناگویی خلقی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شهید چمران.

- پاک دامن، مجید و براتی، فخرالسادات (۱۳۹۰). نقش سبک‌ها فرزند پروری مادران در بلوغ اجتماعی نوجوانان. *مجله مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، سال ۸، شماره ۱۴.
- تاج، فاطمه، پور ابراهیم، تقی، صادقی، منصوره سادات و خوش کنش ابوالقاسم (۱۳۹۲). رابطه سبک‌های دلبستگی و خود شکوفایی در شاغلین روان درمانگر شهر تهران. *فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی*، دوره پنجم، شماره ۶، ۲۸-۴۵.
- جانجانی، مهدی (۱۳۹۰). *تعیین رابطه بین شیوه فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی و جمع‌گرایی روانشناختی و فرهنگی در بین دانشجویان*. پایان نامه دکتری تخصصی روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- حسینی دولت آبادی، فاطمه (۱۳۹۱). رابطه بین سبک‌های فرزند پروری، خودکارآمدی و نگرش به بزهکاری در دانش آموزان دبیرستانی. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، سال ۴، شماره ۲.
- حق شناس، حسن (۱۳۸۵). *طرح پنج عاملی ویژگی‌های شخصیتی و راه‌نمای تفسیر هنجارهای آزمون NEO-PIR و NEO-FFI*. شیراز: انتشارات علوم پزشکی شیراز.
- دلاور پور، محمد (۱۳۹۰). *بررسی رابطه بین دلبستگی ایمن و سلامت روان با خلاقیت هیجانی*. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه شیراز.
- ذبیح‌اللهی، علی (۱۳۹۰). *رابطه سبک‌های فرزند پروری ادراک شده، هوش هیجانی و ناتوانی‌سازی در شهر تهران*. پایان نامه دکتری تخصصی روانشناسی عمومی، دانشگاه تهران.
- زینانی، علی (۱۳۸۹). *رابطه علی سبک‌های والدینی، سبک‌های دلبستگی و خود تنظیمی با استعداد اعتیاد*. پایان نامه دکتری تخصصی روان‌شناسی عمومی، واحد علوم و تحقیقات خوزستان.
- شولتز، دوآن و سیدنی، آلن (۲۰۱۳). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۳۹۲). تهران: نشر ویرایش.
- عباسی سرچشمه، ابوالفضل (۱۳۸۴). *بررسی رابطه ساده و چندگانه نگرش مذهبی، خوش بینی و سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی در دانشجویان مرد متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز*. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- گروسی فرشی، میرتقی (۱۳۸۰). *هنجار یابی آزمون جدید شخصیتی NEO و بررسی تحلیل ویژگی‌ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های ایران*. رساله دکتری روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

- Abar, B., Carter K. M., & Winsler, A. (2009). The effect of maternal parenting style and religious commitment on self-regulation, academic achievement and risk behavior among African- American Parochial college students. *Journal of*

- Adolescence*, 32, 259-273.
- Baldin, M. W. (2006). *Interpersonal cognition*. NY: Guilford Press.
 - Baumrind, D. (1991). The influence of parental style on adolescence. *Competence and Direction for Child and Adolescent Development*, 108, 61-69.
 - Belsky, J., Crnic, K., & Woodworth, S. (1995). Personality and parenting: Exploring the *mediating role of transient mood and daily hassles*. *Journal of Personality*, 63(4), 905- 929.
 - Bowlby, J. (1969). *Attachment and Loss*: Vol. 1. NEW YORK: Basic Books.
 - Bowlby, J. (1973). *Attachment and Loss*. Separation, anxiety and anger. (Vol. 2). New York: Basic Books.
 - Bowlby, J. (1980). *Attachment and Loss*. Separation, anxiety and anger. (Vol. 2). New York: Basic Books.
 - Buri, J. R. (1991). Parental Authority Questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57, 110-119.
 - Costa, P. T., & McCrae, R. (1992). *Revised NEO Personality Inventory: NEO-PI and NEO Five Factor Inventory*. Psychological Assessment Resources.
 - Costa, P., & McCrae, R. (2000). *Revised NEO Personality Inventory (NEO- PPI) and the Five Factor Inventory, (NEO –FFI)*: Personal Manual Psychological.
 - Chan, R., & Joseph, S. (1999). *Dimensions of personality, domains of aspiration, and subjective well-being*. [http:// dx. Doi.org/ 10, 1016 / s. 191-886, \(99\)](http://dx.doi.org/10.1016/s.191-886,(99)).
 - Critichfield, K. L., Levy, K. N., Clarking, J. K., & Kernberg, O. F. (2006). The relationship of aggression in borderline personality disorder: Using adult attachment style to predict forms of hostility. *Journal of Clinical Psychology*, 64 (1), 67-82.
 - Darling, N. (1999). *Parenting Style and Correlates*: ERIC Digest. Campaign: ERIC cleaning house on elementary and childhood education. University of Illinois.
 - Fei, J., & Berscheid, E., (1977). *Perceived dependency, insecurity, and love in heterosexual relationships: The eternal triangle?* Unpublished manuscript, Department of Psychology, University of Minnesota.
 - Flett, G. L., Hewitt, P. L., & Singer, A. (1993). Perfectionism and parental authority styles. *Journal of Individual Psychology*, 51 (1), 1995.
 - Grawford, E. k., Warsham, N. L., & Swineheart, E. R. (2006). Benefits derived from companion animals and the use of term attachment. *A Multidisciplinary, Journal of the Interaction of People and Animals*, 19(2).
 - Hamarta, E., Daniz, M. E., & Saltali, N. (2009). *Attachment style as a predictor of emotional intelligence*. <http://psp.sagepub.com/content>.
 - Heaven, P., Barry, J., Mark, A., & Carnochi, (2002). Personality and family influences on adolescents attitudes to school and self- control academic. *Journal of Personality and Individual Differences*, 32, 473- 481.
 - Houver, R., Otten, R., de venes, H., & Engles, R. (2010). *Parenting styles and personality in parents of adolescent*. *Journal of Adolescence*, 33 (3).
 - Knapp, J., & Dowil. A. (1989). *Relationship between self- actualization and*

- personality traits*. Available at <http://PSP.Sag.pub.Com/content>.
- Levy, R. (2005). Relational context in attachment style in predict of personality disorders. *Journal of Clinical Psychology*, 64- 82. 2008.
 - MaCrar, R. R., & Costa, P. T Jr. (1989). Rotation to maximize the constructor validity of factors in the NEO Personality Inventory. *Multivariate Behavioral Research*, 24, 107- 127.
 - Mallinckrodt, B., Porter, M. J., & Kivlighan, D. M. (2005). Client attachment to therapist, depth of in-session exploration, and object relation in brief psychotherapy. *Psychotherapy: Theory, Theory, Research, Practice, Training*. 45 (1), 85.
 - Manhas, S. (2014). Implication for parental behavior for educational maturity and self- actualization of adolescents. *Journal of International Academic Research for Multidisciplinary*, 2 (4), 31-40.
 - Maslow, A. H. (1943). *A theory of human motivation*. Psychological Review, 50, 370-396.
 - Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007a). *Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change*. NY: Guilford Press.
 - Miller, L. C., Berg, J., & Archer, R. L. (1993). Depression: Individuals who elicit intimate self- disclosure. *Journal of Personality and Social Psychology*, 44, 1234-1244.
 - Nofle, E. E., & Shaver, P. R. (2006). Attachment dimensions and the big five personality traits: Associations and comparative ability to predict relationship quality. *Journal of Research in Personality*, 40(2), 179–208.
 - Otway, L. J., & Carnelly, K. B. (2012). Exploring the associations between attachment security and self- actualization and self- transcendence. *Self and Identity*, 12, 217- 230.
 - Preacher, K. J., & Hayes, A. F. (2008). Contemporary approaches to assessing mediation in communication research. In A. F. Hayes, M. D. Slater & L. B. Snyder (Eds.), *The Sage Sourcebook of advanced data analysis method for communication research*. CA: Sage.
 - Roberts, J. E., Gotlib, I. H., & Kassel, J. D (1996). Adult attachmentband symptoms of depression: The mediating role of dysfunction attitude and low self-esteem. *Journal of Personality and Social Psychology*, 70(20), 310-320.
 - Rubin, Z. (1970). Measurement of romantic Love. *Journal of Personality and Social Psychology*, 16, 265- 273.
 - Ruf, D. L. (1998). *Environmental, familial, and personal factors that affect the self- actualization of highly gifted adults: Case studies*. Dissertation submitted to the Faculty of Graduate School of the University of Minnesota, Doctoral Dissertation of Philosophy.
 - Scheier, M. F., Carver, S., & Bridges, M. W. (1994). Distinguishing optimism from neuroticism (and trait anxiety, self- mastery, and self- esteem): Reevaluation of the orientation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67, 1063- 1078.
 - Shaffer, P. R., & Kipp, A. (2007). *Development psychology: Childhood and*

adolescence (7. Ed.). Belmont, CA: Wadsworth

- Shiota, M. A., Keltner, D., & John, O. P. (2006). Positive emotion disposition differently associated with Big Five Personality and attachment style. *Journal of Positive Psychology*, 1 (2), 61-71.
- Simpson, J. A. (1990). Influence of attachment style on romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59, 5, 971-980.
- Thimm, J. C. (2010). Mediation of early maladaptive schemas between perception of parental rearing style and personality disorder symptoms. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 41, 52-59.
- Torquati, A., & Rafaelli, P. (2004). Positive emotion dispositions differentially associated with Big Five Personality and Attachment Style. *The Journal of Positive Psychology*, 1(2), 61-71.
- Vaughn, L. M. (2009). Relationship of attachment style and ethnic identity to self-actualization in college students. *Journal of College & Character*, X (6), *Featured Articles*.